

مرحله نبرد و مرحله گذار به دموکراسی

بخش پایانی

حسن مساوات (حجت)

مقدمه: در بخش اول و دوم این نوشتار اوضاع نابسامانی که بر اثر بی لیاقتی، نادانی، ترویج خرافات و افکار واپس گرایانه آخوندها و شبه آخوندها و فساد ایجاد شده بر اثر چپاول ملایان بقدرت رسیده خودخواه و سیری ناپذیر برگزیده ملت شریف ایران تحمیل گردیده تحلیل شد و چون سقوط این رژیم نه آنکه محتمل بلکه قطعی است پیشنهاداتی برای دوره بلافاصله پی از سقوط این اهریمنانه تقدیم خوانندگان عزیز گردید تا اگر خردمندان باشند بدان عمل شود و اگر قابل اصلاح باشد پس از اصلاح بوسیله خرد جمعی خردمندان بکار گرفته شود.

این قلم داعیه ای بر آن ندارد که آنچه نوشته شد و نوشته خواهد شد عاری از کاستی است اما داشتن یک نوشته دارای اشکالات وقتی در معرض دید ملتی که در میان آن خردمندان و دلسوزان و مبارزان بسیارند قرار گیرد تکامل خواهد یافت و از آن میتوان برنامه ای جامع برد آید. از این رو ما همه وظیفه داریم که آنچه در طول سالهای دراز تجربه کرده ایم را ارائه کنیم تا بار دیگر در این رویداد دچار اشتباه محاسبه نشویم و مجبور نباشیم بهائی سنگین را (مالی و جانی و زمانی) برای جبران اشتباه بدهیم.

تزلزل موجود در حکومت که سقوط آنرا غیر قابل پیشگیری کرده مورد تحلیلی کوتاه قرار گرفت و باین نتیجه رسیدیم که این حقیقت وجود دارد که این رژیم فاسد غیر قابل دوام است و بهر روی از میان خواهد رفت.

با توجه به حساسیتی که پس از رفع شرآخوندها بر اثر افراط در احساسات و سایر عوامل امکان دارد در جامعه آزاد شده هویدا شود و نیز حس انتقام در عناصری که با رفتن اهریمنان مزایای خود را از دست خواهند داد؛ راهکارهایی برای حفظ امنیت و جلوگیری از آسیب به اموال عمومی و خصوصی که بهر حال همه آنها دارائی کشور را تشکیل میدهند و نابودی اسناد و بطور کلی جلوگیری از بزه کاری های بدخواهان و حفظ امنیت افراد بی دفاع ارائه شد.

حال باید دید چه اقداماتی دیگر باید صورت پذیرد تا ملت نوع حکومت را معین و کارگزاران خود را بکار بگمارند و دولت دلخواه اکثریت ملت و نمایندگان واقعی آن اداره مملکت را بدست گیرند.

* * * *

تشکیل حکومت مردمی

انقلاب ایران صد و چندسال پیش در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار به نتیجه اولیه رسید و برای اولین بار یک قانون اساسی تصویب شد که مطابق آن ملت ایران دارای حق دخالت در امور کشور و انتخاب نمایندگان مجلس شدند و سلطنت خودکامه در محدوده قانون قرار گرفت.

باوجود ایرادهای زیادی که در این قانون وجود داشت، که بیشتر نتیجه دخالت آخوندها در تدوین آن و قرار دادن دین رسمی و نداشتن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان (که در نهضت مشروطیت مشارکت شجاعانه و مفید داشتند) و اختیارات اجرائی زیادی که برای شاه داده شده بود (مثل فرماندهی کل قوا و اعلان جنگ و عقد قرارداد صلح که همواره با جمله ناموزون "و از مسئولیت میرا است" باتمام میرسید، که در کشورهای دیگر مشروطه این اختیارات بعهد پارلمان است) بهر حال نطفه اولیه حق ملت در آن مطرح شده بود و راه را برای دموکراسی باز میکرد.

نگاهی به نقش شاهان در حداقل چند قرن آخر منتهی بانقلاب مشروطه نشان میدهد که همان قانون مشروطه پراز ایراد اولیه تا چه اندازه پیشرفته بود و نمونه های آنرا میتوان در چند دوره اول مقننه مورد بررسی قرار داد.

مظفرالدین شاه که پیرمردی بیمار بود بفاصله کمی پس از امضای قانون اساسی مشروطه، بدرود حیات گفت و پسر او محمد علی میرزا به شاهی رسید.

محمدعلی شاه قاجار که سالها برای رسیدن به سلطنت و منزلت قدر قدرتی رؤیا های طلائی دیده بود نمیتوانست پادشاهی مشروطه را که در آن شاه یک مقام تا حدودی تشریفاتی داشت و قادر نبود هر چه را بگوید قانون بحساب آورد و هر که را خواست بکشد و مجلسی در کنارش باشد که قانون وضع کند و او فقط بعنوان تشریفات زیر آن قانون را امضاء کند و این قبیل محدودیت ها را بپذیرد.

او نوه کسی بود که با یک برگه حکم قتل بزرگ مردی چون امیر کبیر را صادر کرد و اجرا شد و نواده کسی که با یک حکم شفاهی قائم مقام فراهانی، ایرانی شریف، وطن دوست و کاردان را در لای فرش پیچاندند تا جان بسپارد و اینک قبله عالمی این مزایا را نداشت و از همین رو علم مخالفت با مشروطه را برافراشت و در این راه تا آنجا پیش رفت که مجلس شورای ملی را بدست لیخوف روسی اجنبی به توپ بست. تنی چند از آزادگان ایران را بدست همین اجنبی بقتل رساند.

قیام مردم دلیر ایران و در پیشاپیش آنان ایرانیان دلیر و سربلند آذربایجان با فداکاریهای بسیار و شجاعت های غرور بر انگیز بار دیگر مشروطه را برقرار کرد و محمد علی شاه با پناهنده شدن به سفارت خانه اربابش روسیه از ایران گریخت و بزباله دان تاریخ پیوست.

مبارزه مردم برای آزادی واقعی پس از سقوط قاجار و از بین بردن مشروطه با قلدری دچار تعلل شد و مسائل جنگ دوم بین الملل خود بخود و بمناسبت موقعیت مهم جغرافیائی سیاسی ایران مدتی طول کشید تا اوضاع جهانی و منطقه به وضع معمول برگردد و باز هم مقام سلطنت در آرزوی حکمرانی مطلق و این بار با تقلب در انتخابات و خالی کردن صحنه از مردان و زنان قابل سیاسی و آوردن دستمال بدستان بجای سیاسیون و قرار دادن خود فروختگان بجای نمایندگان واقعی مردم از دموکراسی یک نمائشنامه کمدی بوجود آمد و باز هم ایرانیان محروم از دخالت در داره مملکت شدند.

باز هم ملت خستگی نا پذیر ایران در جستجوی دموکراسی به پای خواستند و با شهامت در مقابل دیکتاتور ایستادند و اورا سرنگون ساختند ولی سرعت انقلاب توسط خمینی و دار و دسته او و دادن رنگ مذهبی به خواسته های مردم و دروغهایی که در تمام موارد خمینی برای جلب نظر مردم گفت؛ باعث شد که ملت بزرگ و خوب ایران از دست مار در شکم ازدها شدند و ماری رفت و ازدهائی اهریمن صفت با بازی با باورهای مذهبی مردم و تعصبات ناشی از مذهب و روبه صفتی بر سرکار آمد و این بلائی بر ما نازل شد که همه درگیر آن هستیم و درد آن را همه ما میدانیم.

در این دوسه قرن گذشته همواره نیروهای بیگانه در امور کشور دخالت کردند و ما نباید از اعتراف باین حقیقت که عده ای ایرانی خود فروخته بودند که راه این دخالت را برای بیگانگان که در رأس آنها دو قدرت رقیب روسیه و انگلستان بودند باز کردند و هر کس که برای کشور مفید بود را با توطئه و تزویر از بیم بردند که از میان لیست بزرگ این بزرگان سه نفر درخشنده تر از سایرین هستند. این سه نفر میرزا تقی خان قائم مقام فراهانی، و میرزا تقی خان امیر کبیر و دکتر محمد مصدق آزاد مردانی هستند که استعمار خارجی و خود فروختگان داخلی مارا از آنان و خدمات آنان محروم ساخت اگر چه هریک در همان مدت محدود تصدی کارهای بزرگ کردند.

در بحث های قبلی سخن به مرحله ای رسید که پس از سقوط اهریمنان اسلامی و دستگیری و یا فرار سردمداران دستار بدست ملت ایران بار دیگر و برای همیشه مالکیت کشور را بدست گرفته و اینک در صدد تشکیل حکومتی است که در آن اراده و خواست مردم تعیین کننده همه امور باشد و بر روی کار آوردن دولتی که اعضاء آن به ملت نگاه از بالا نداشته بلکه خود را بمعنی کامل کلمه خدمتگزار مردم بدانند. بزرگی کارگذاران دولت در آن است که در مقابل ملت افتاده باشند و خود را مسئول بدانند.

این حساس ترین مرحله رسیدن به دموکراسی واقعی و همان جایی است که راه درست از نادرست جدا میشود. در اینجا است که همه در میدان حاضر میشوند و همه داعیه خدمتگزاری دارند. اینجا است که ملت ایران باید خرد پیشه کند و با کمک آن سره را از نا سره تشخیص دهد و روشن فکران با صداقت مردم را راهنمایی کنند و هر چند، کوتاه کردن زمان این دوره کاری عاقلانه است اما دقت در کار و بیدار کردن مردم برای تشخیص کلمه مار از شکل آن نباید فدای عجله در بپایان رساندن کار بصورت غیر منطقی بشود.

ما نه از امروز بلکه از روزها قبل در کنار مبارزه برای ساقط کردن دیکتاتور هائی که با فریب عوام و تکیه بر خرافات ملت را بزنجیر کشیده اند باید در بیداری مردم بکوشیم. تمام مردم از زن و مرد، شهری و دهاتی، ترک و کرد و لر و بلوچ و فارس و و ثروتمند یا فقیر، دانشمند یا بیسواد، مسلمان، بهودی، مسیحی و یا بیدین و از هر طایفه و رنگ و زبانی که باشند دارای ارزش مساوی و اهمیت یکسانند و کسی را بر کسی ارجحیتی نیست اگر چه برای اداره امور و انجام کار یک روضه خوان را نمیتوان بر کرسی رهبری مملکت نشان زد زیرا کارها نیاز به تخصص و تجربه دارد اما ارزش انسانی یک

رئیس جمهور با یک رفتگر یکی است. و همه باید بدانند که مقام یعنی مسئولیت و تعهد به خدمت به مردم. آنکس که در رأس قرار میگیرد وقتی دارای شرافت است که قابلیت کار را داشته باشد و بتواند برای مردم خدمتکاری صادق و قابل بوده و در موارد لازم از منفعت شخصی برای منفعت اجتماع چشم ببوشد.

چنانچه گفته شد در این مرحله همه در میدان حاضرند، از میهن دوستان واقعی و عاشان به خدمتکاری ملت و فداکاری برای مردم تا فرصت طلبان خوش گفتار که فقط به فکر آن هستند که از این نمذ برای خود و اگر میسر باشد خانواده و اطرافیان خود کلاه و یا کلاه هائی بسازند؛ از افراد با قابلیت فراوان برای اداره و انجام صحیح همه گونه کار تا بیهوده گانی از قبیل احمدی نژادها با ادعای اداره جهان. مسئله اینست که همگان حرف های کم و بیش مشابه دارند و وعده های آرمان شهر (مدینه فاضله) میدهند.

آنکه باید از میان اینها انتخاب درست بکند مردم هستند و آنچه بوسیله آن میتوان انتخاب صحیح انجام داد خرد است و آن عاملی که میتواند مارا بخطا ببرد احساسات و تعصبات است.

ما باید احساسات و تعصبات را کنترل و خاموش کنیم و گمان نکنیم آنانکه وعده آرمان شهر (مدینه فاضله) میدهند قادر به ارائه آن هستند. یادمان باشد که کشور با تعهد همگان به کار و تلاش آباد میشود و همه ما در آبادی و اداره کشور مسئولیم. دموکراسی یعنی مشارکت مردم در امور و امور شامل ارائه نظر و کمک در انجام آنست نه اینکه ما شریک اداره کشور میشویم ولی در کارخانه ایکه کار میکنیم مواظب باشیم که اگر استاد کار از کارگاه بیرون رفت پرس را خاموش کرده و در کنار آن استراحت کنیم و باصطلاح از کار شانه خالی کنیم.

آن رفتگری که در کوچه و خیابان زباله هارا جمع میکند باید بداند که برای کشورش این کار را میکند و آن وزیری که در دفترش بکار تجارت مملکت اشتغال دارد باید این درک را داشته باشد که باید فقط بفکر منافع کشور باشد و نه در یافت کمیسیون زیرا او از جیب من و تو او و تمام ملت حقوق دریافت میکند و سیستمی باید باشد که بتواند او را بدرستی ارزیابی و کنترل نماید.

اگر وزیری در پایان روز از رفتگری کمتر خسته شده باشد باید بداند که کارش را خوب انجام نداده.

در این دوره آنها که زحمت و فداکاریشان اهریمنان را نابود کرده باید گروه های کار تشکیل دهند و از صاحب نظران در این گروهها دعوت نمایند که خطوط اصلی لازم برای برگزاری یک همه پرسی جامع و صحیح جهت تعیین نوع حکومت آینده ایران و پس از آن بر مبنای خواسته تصویب شده تهیه قانون اساسی و ارائه قانون اساسی برای اظهار نظر مردم و سپس انعکاس نظرات رسیده در پیش نویس آن قانون و نهایتاً فرآیند دوم برای تصویب قانون و اگر رد شد اصلاح و فرآیند دوم مجدد تا تصویب نهائی مردم را تهیه نمایند.

همزمان یک دولت موقت با مسئولیت محدود برای جریان امور عادی کشور تشکیل دهند. تنظیم مدارک و تهیه اطلاعات لازم برای دولت دائم پس از تصویب قانون اساسی و انتخابات از جمله وظایف دولت موقت است.

یک مجلس موقت نیز برای بررسی کارهای دولت موقت تشکیل خواهد شد و کلیه امور دولت موقت و مجلس موقت زیر نظر یک هیئت امنا در روی نوارهای صوتی تصویری برای ارائه به مجلس دائمی منتخب ملت و دولت انتخابی دائمی ضبط میشود. کمیسیونی از دولت و مجلس دائمی این نوارها را بررسی و بر صحت کار افراد در دوره موقت نظارت خواهد نمود. تمام افراد دولت موقت و مجلس موقت در انجام کارها و تصمیمات دارای مسئول خواهند بود و اگر لازم شود در دوره برقراری دولت دائمی مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

در ایجاد گروههای کار و دولت موقت و مجلس موقت فقط مبارزینی که در ایران بمبارزه با رژیم اهریمنی اشتغال داشته اند صاحب نظرند ولی آنها میتوانند از افرادی که در خارج مبارزه مثبت کرده اند و مورد تأیید هستند برای دولت و مجلس موقت دعوت نمایند.

اعضای مجلس موقت و دولت موقت بهیچوجه حق ملاقات با فرستادگان دولتهای خارجی را بطور خصوصی ندارند و تمام ملاقاتهای آنان بشرح بالا باید بصورت صوتی تصویری ضبط و برای بررسی نهائی بدولت و مجلس دائمی ارائه گردد.

همه افراد ایرانی باید بدانیم که:

**مبارزه برای صیانت از کشور همیشگی است زیرا یک کشور موجودی زنده است
و شما مردم خون آن هستید و مبارزه یعنی حرکت و خون اگر حرکت نکند زندگی
تمام میشود و کشور از دست میرود**

پایان این مقوله.

یادمان باشد که کار ما در نگهداری از دموکراسی و ساختمان و پیشبرد ایران را پایانی نیست. این نو گل بثمر رسیده در میهن را باید بصورت مستمر با خرد آبیاری و با شهامت و شجاعت نگهداری کرد. آن دشمن که دیکتاتورها ما را از آن میترسانند، فراموشی و ناسپاسی از آنهایی است که در سایه مبارزه و فداکاری آنان ما به دموکراسی رسیده ایم و استفاده نامناسب از این موهبت که هر شهیدی در جای نا متناسب زهر میگردد. تمام ایدئولوژی ها با دموکراسی در تضادند زیرا ایدئولوژی انسان را در فقس اعتقاد محبوس میکند و بدست خود فرد ایدئولوگ جلوی آزادی اندیشه و بیان و حرکت او را میگیرد و از او سربازی میسازد که کارش وادار کردن دیگران باطاعت از بتی است که خالق آن ایده است و روشهای او. بیدار باشید که این گل پرپر نشود.

حسن مساوات (حجت)

hojjat@northlondonacademy.com